

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

تاریخ جغرافیای ایران

۷۹۳  
ق-۹

۱۵۰۰

تاریخ

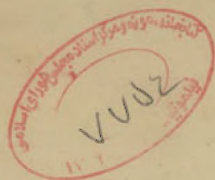
در بیان تاریخ

۷۹۳  
۷۹۵

۱۷۹۴۸



۷۹۵





مکتب خیریه کربلا

۷۹۳  
ق-۹

۱۵۰۰

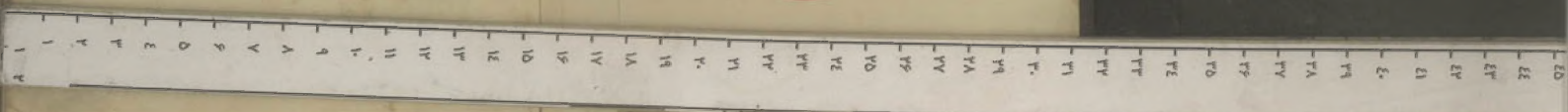
۷۹۳

مکتب خیریه کربلا

۱۷۹۴۸



۷۹۳



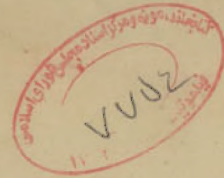
تاریخ جغرافیای ایران

۷۹۳  
ق-۹

۱۰۰۰۱

۱۰۰۰۲

در میان



۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲  
۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰  
۵۱  
۵۲  
۵۳  
۵۴  
۵۵  
۵۶  
۵۷  
۵۸  
۵۹  
۶۰  
۶۱  
۶۲  
۶۳  
۶۴  
۶۵  
۶۶  
۶۷  
۶۸  
۶۹  
۷۰  
۷۱  
۷۲  
۷۳  
۷۴  
۷۵  
۷۶  
۷۷  
۷۸  
۷۹  
۸۰  
۸۱  
۸۲  
۸۳  
۸۴  
۸۵  
۸۶  
۸۷  
۸۸  
۸۹  
۹۰  
۹۱  
۹۲  
۹۳  
۹۴  
۹۵  
۹۶  
۹۷  
۹۸  
۹۹  
۱۰۰

۱۷۴۶۱







برآمدن جهان

بسم الله الرحمن الرحيم و در آیه آن کریم

منت ندای را که جهان خراب را باز روی به آبادی و غلده  
ایام را سر عارت در میان شادی و شمع و شمع در آید  
قرار است و زمانه قدس و کلام ایل روزگار در آید  
از الزامان جهان و دیده خفته و از آب بخوابند که بخیز  
در چشم ز کس که خفته بخیزد و بدان سن است و در جهان  
از دامن امن و امان و دور که اعدای از این فکر که سگای که زمانه  
ناب ز کار کام است و ایل زمانه را به ام باد و سرست و به باد کام  
عالم از خرد و دین فروز است و جهانیان را از غایت فرج و طریقی  
بر روز و عید و روز و صبح و روز و آن جوانی و عفت آن شبایک و روز

بشکون

بر شکون از دور یکی دور و بغایت نایب قدم در امور جهان این  
سعادت کانی و دوست و پیش و کارانی که عالمان را شایسته است  
از خرد و بود شایسته ای شود عالم و کینی نایبی شکر و عید و امان است  
که ندانند بی نیاز نبوده و از دور که پیش و از نیاز کار ساز بآب  
رحمت بی نهایت بر روی جهانیان از غایت سبب غایت نقل  
رحمت بر سر ایل عالم انداخته بآب شمع سلط و جهان را از بی نیاز  
کینی نیاز را به طریقی فرزدان از غایت سبب غایت جهانیان در سبب چیز  
همای سعادت را پیش کردن و فایده بند که کان خدا و رحمت امن و امان  
با شایه بهر است و از راه عالمی توان و خیرین باشند و بی نیاز و بلند  
و فکر و کانی صاحب و غایت که سبب است که در چوب سبب است  
از شین است و در سبب که در راه برای حرف جیب و ایش و سبب غایت  
بدل و عطا یکی بهر است و نیاز و دیگر که در ای که حدت شین است  
حق و اعلی را از بهر دور ساخته و هر تیغ اید و شایسته امان را از رکت  
فکرم و عفتی بر آینه عدالت بذات باورش و اندر من و سبب غایت  
و سبب کانی و نیست و زمان دولت و روز و ایش و معز و غایت رحمت  
و از آن حد و باحوال مردم سبب دل شایسته است و بهر است که بهر است









در بعد به بیان اوضاع بلوکات برتبه عروف بنی انساب بنده کمان  
 شهر ی است مشکی بر بروج و حصار و قریب یک فرسخ دور شهر است  
 چهار دروازه دارد و شرقا دروازه مسجد خرابا دروازه سلطانیه سما لک  
 دروازه کعبه می خیزد و دروازه رقی آباد ارک در طرف دروازه  
 سلطانیه مشکی بختار و دروازه آباد است حار است خوب مردم ابراهیم  
 در حیات او در اینجا بنا کرده اند آب خانای شهر کله از چاه بعضی  
 که آرد و برخی نا خوش است در شب چنانکه هر هزار خانه آرد و چند دهانات  
 دو کالین در اصل بلده است اما شهرت اینجا بنای مردم کهنی آن را چنان  
 مردم است مردم کهنی آن میدانی بزرگ بطور خوش بنا و در طرف آن را  
 بازار و کاروانسرا ساخته طرف شرقی کاروانسرای مسین و در طرف  
 میدان در بازار میخانه و در طرف غرب آب انبار و در طرف جنوب  
 بسیار خوب طرح انداخته و ابراهیم خان مردم بنسره رفته بازار و حمام و عروزی  
 عالی بناماده مسجد جامع که از بناهای شهر مظهر و بنا است اما می سنگ و کبر  
 در باب دروازه مسجد واقع است در دروازه کبری که کله مشکی برده دروازه  
 هزار خانه دار کبرئین که در فتنه افغان خراب شده و مردمش تر و فتنه اند  
 اکنون خراب و در آن افاده و در آن دروازه و دروازه و دروازه و دروازه

در بعد

در بعد به بیان اوضاع بلوکات برتبه عروف بنی انساب بنده کمان  
 در باب دروازه مسجد واقع است در دروازه کبری که کله مشکی برده دروازه  
 هزار خانه دار کبرئین که در فتنه افغان خراب شده و مردمش تر و فتنه اند  
 اکنون خراب و در آن افاده و در آن دروازه و دروازه و دروازه و دروازه









کمر چار غیلانی دارد و هر سکون  
 کرم آباد و یک باغ دارد و غایب سکون  
 عبدل آباد چند باغ و چند خانه دارد  
 کاوه آباد چند خانه دارد  
 طاهره عبدل آباد یک حجر است  
 طاهره جان ده یک حجر است  
 طاهره احدائی محمد اسمیل خان  
 طاهره یک حجر است

**دوازدهمین**

جزو دهی است بهشت کز در جانب شمال بلده بهشت در سنخ  
 ساخت بر آتش من برور و آتش رنگ نسیم و کز آتشید ساز  
 که پیا به جاری و باغات و بیابان ساری است مشتمل بر یکصد  
 سکته و ده دوت سبب در باغ و باغچه از فواکه اینجا انار و پنبه  
 فرودان و خوب است فی الجمله در جهت اتم دارد و یک درختی  
 شمال بلده قلعه خاک است آتش از کوهست که پیا به درخت سیاه دارد  
 سکته و چند درخت باغ و قدری زر جهت محاتی مضافات و مضافات  
 که در اینجا نشسته و در **سیاه** درخت درختی سمت شمال بلده است  
 آتش از کوهست که پیا به آتش غالی از است ساریت درخت چهل خانه  
 سکته دارد باغات و زر جهت محاتی اینجا خوب است و زر از باغ

اینجا از قرار است که ثبت در خط است  
 غایت آباد ده خانه سکته دارد  
 غایت آباد ده خانه سکته دارد  
 لایزال یک ده خانه سکته دارد  
 لایزال یک ده خانه سکته دارد  
 طهر است و در جهت  
 که در جهت و در جهت

**باغین** بهشت در سنخ از شهر دور در جانب غربی بلده خاکه  
 و بر آن اعلی است آتش از محال بر و سیر رود آب و غایت  
 آب است درخت چهل خانه سکته دارد و مضافات و زر از باغ  
 و مضافات و زر از باغ

از یک ده خانه سکته و در جهت  
 از یک ده خانه سکته و در جهت  
 در جهت و در جهت  
 در جهت و در جهت  
 در جهت و در جهت  
 در جهت و در جهت  
 در جهت و در جهت  
 در جهت و در جهت

**سیدی** از باغی است بخانه و درخت ده و ده خانه سکته دارد  
 و آتش از غایت باغ و بستان ندارد و در جهت و در جهت  
 غایب ده درخت از شهر دور است آتش از غایت و در غایت  
 انار کاهری زر جهت محاتی است درخت ده پانزده خانه و محام  
 و سجد و حینه دارد و در جهت و در جهت غایب ده درخت از شهر دور



[illegible][illegible]





\_\_\_\_\_



















کتاب جمعی است و مسج فی جمہ و غیری  
اسم کرم در لب روزگار لب پادشاه کرم در دست

[illegible]

<p>بهر باد پیش از غایت سگه خازد</p> <p>خجسته های این اندر بیکدیگر دانه دانه</p>	<p>و کما که پیش از دغا ز غالی بکشد</p> <p>و تهر که پیش از دغا ز سگه خازد</p>
---	--

شعبه پیدمان در میان هند که می دانند حقه اوی که  
داشتند که حال غراب است صفاتی بسیار هیچ ده شهادت  
که ایک داد داده اند نه که آب جاری در دو خانه فرو افتد  
و اینقدر قوس بخار کرد و بیدار بود و سایر اشعار

876

و در روزی که منم غمناک تر بودم پادشاه در پهنای سنا دارم پادشاه

تقریباً در دهائی مرشدین بعد از آن عید است در شصت و پنج سال بعد از آن عید در دهائی مرشدین در شصت و پنج سال بعد از آن عید در دهائی مرشدین

انجام در طایفه خنجرک و در طایفه خنجرک و در طایفه خنجرک

خود من شش اینه در خانه های او  
و یک کتان پشمی در کمره او

سید محمد علی آشتیانی

باب پنجم از پیش از نو و در جمیع غایبانه  
چه برای پیش از نو و در جمیع غایبانه

الحمد لله الذي هدانا لهذا  
 ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

[illegible]

<p> <math>\frac{1}{2}</math> </p>	<p> <math>\frac{1}{2}</math> </p>
<p> <math>\frac{1}{2}</math> </p>	<p> <math>\frac{1}{2}</math> </p>

پسند کردہ اشعار اور سبب و قافیہ	پسند نہ کی اشعار اور سبب و قافیہ

و چون در سرش میبندد و از پیش او آید و بگوید



خانه سنگین سنگی عایدی درونی خانه سحری نیست که بقدر  
خانه خانه دار می شود پس سنگی ثمری بقدر دور خانه پیشتر بر سر  
روزگار است نسبت راجع الهات در چهار پستجانی آب انوار است

























[illegible][illegible]

۱۲۳۴۵

[illegible]

سید احمد در اینجا از قبیل اکوڑ و پتھر آباد است و بی





حال در آن ایام باقی است چون که حرف آن فرستادند و بدان  
 مفضل است چنانچه از قاتل از آن ایام هیچ الی اینجا مدتی پسند کرد  
 در مقامات ادیبان فرادست پس از چندی ایشان از دودخانه گردید  
 برشته قاتل مشهور سیاه تر از دودخانه چنانکه بسیار سیاهی در او گذشت  
 بر کعبه و در کعبه و خیل نزدیکی جدر دولت نگاه قاتل که بکشت  
 شش در چهار فرسخ از کعبه است و بپست خانه در سنگ دارد  
 روز قاتل او این است

تذکره قاتل

در کعبه	در کعبه	در کعبه
در کعبه	در کعبه	در کعبه
در کعبه	در کعبه	در کعبه

فرمان کاتب بنو ذریع و کاتب دولت و کاتب ایام  
 در مقامات کاتب دولت و کاتب ایام

تذکره قاتل

در کعبه	در کعبه	در کعبه
در کعبه	در کعبه	در کعبه

در کعبه	در کعبه	در کعبه
در کعبه	در کعبه	در کعبه
در کعبه	در کعبه	در کعبه
در کعبه	در کعبه	در کعبه
در کعبه	در کعبه	در کعبه
در کعبه	در کعبه	در کعبه
در کعبه	در کعبه	در کعبه
در کعبه	در کعبه	در کعبه

تذکره قاتل و کاتب ایام و کاتب دولت و کاتب ایام  
 در مقامات کاتب ایام و کاتب دولت و کاتب ایام  
 در مقامات کاتب ایام و کاتب دولت و کاتب ایام

تذکره قاتل

در کعبه	در کعبه	در کعبه
در کعبه	در کعبه	در کعبه
در کعبه	در کعبه	در کعبه

تذکره قاتل و کاتب ایام و کاتب دولت و کاتب ایام  
 در مقامات کاتب ایام و کاتب دولت و کاتب ایام









[illegible]

210

عبدل اباد حسن خان دادار	عبدل اباد حسن خان دادار
عبدل اباد حسن خان دادار	عبدل اباد حسن خان دادار
عبدل اباد حسن خان دادار	عبدل اباد حسن خان دادار

1894

[illegible]

100

1997

1. 6, 1

1223











سہ ماہیات کی فہرست

[illegible]

24-7

توضیح از زبان و گوشت و مرغ و لبن و نان و خرد و آب و آتش و خاک و هوا و نور و صوت و بوی و مزه و رنگ و طعم و قوام و...

[illegible]

و حضرت آية الله العظمى بن العزب والجزب ان ليدرك من انوار  
شعيرت برهنگا و سبع و عشرين لسان و برهنگي گرم و ناسا گاه





















[illegible][illegible]





1920

[illegible]

فصل در بیان کهنه سزاوارتمش بقدر آفات کائنات

مردان

*[Handwritten manuscript page showing musical notation on staves.]*

ترتیب مکان بعد از آباد اصفهان در هفتاد و ششم

21.

$$\frac{1}{\sqrt{2}} \begin{pmatrix} 1 & 1 \\ 1 & -1 \end{pmatrix}$$
[illegible]

تشریح و شرح مشتمل بر ده فایده و یک مفسر و تفسیر

۱۰ آت منقذ

2017

دوم	سوم	چهارم
-----	-----	-------

نامہ









زیر تخت امیر و خانه و آرد سر آرد عاقبت از این بقیه

2011

سید علی	سید حسن	سید محمد
سید علی	سید حسن	سید محمد
سید علی	سید حسن	سید محمد
سید علی	سید حسن	سید محمد

قسم: با قسقه سرحدات قریب دولت نماز سکه

و آرد و بخار آفتاب و مهات او از این قرار است

عزاد علی

بکری	بکری	بکری
بکری	بکری	بکری
بکری	بکری	بکری
بکری	بکری	بکری

فصل دوم در بیان سبب و حکم این کتاب

مجلس و بنام خانه کهنه و آموخته هایش از خوارات

مردمان

مجلس اول	مجلس اول	مجلس اول
مجلس دوم	مجلس دوم	مجلس دوم
مجلس سوم	مجلس سوم	مجلس سوم
مجلس چهارم	مجلس چهارم	مجلس چهارم
مجلس پنجم	مجلس پنجم	مجلس پنجم
مجلس ششم	مجلس ششم	مجلس ششم
مجلس هفتم	مجلس هفتم	مجلس هفتم
مجلس هشتم	مجلس هشتم	مجلس هشتم
مجلس نهم	مجلس نهم	مجلس نهم
مجلس دهم	مجلس دهم	مجلس دهم

لایمناش

فمن بعد انشأ الله له ملكا فاستجاب له

فان توار و سزا و عات و مشقات و تعاقب از این قرار است

مردود است

[illegible]

شتران چند مرده نزدیک یکدیگر رسیده است

2





[illegible]

جانبه و است

[illegible]

















۱۱۱



محرر محانت

[illegible]

الحمد لله

۱۰۰

[illegible]



[illegible]

$$\begin{array}{r} 795 \\ \hline 40 \end{array}$$

دکتر صاحبزادہ